



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنده این عید سعید را که ولادت حضرت نبی اکرم، محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم و ولادت فرزندش امام صادق علیه الصلوة والسلام است، به همه مسلمین عالم، بخصوص به ملت عزیز و بزرگ و عالی قدر ایران و همچنین به حضار محترم و میهمانان گرامی، تبریک عرض می کنم. ولادت نبی اکرم، برای هر فرد مسلمان نقطه ای برجسته در تاریخ است. بعدها همین ولادت به یک حرکت عظیم در تاریخ بشر منتهی شد. هر فضیلتی که در دنیا، ولو به طور غیرمستقیم وجود دارد، ناشی از آن بعثت و اقامه مکارم اخلاق به وسیله آن پیغمبر عظیم الشان است. هر مسلمانی می داند که برای تمرکز عواطف دنیای اسلام و احساسات فرق مختلف مسلمین، نقطه ای بهتر از وجود مقدس پیغمبر اکرم وجود ندارد؛ چون همه مسلمین این بزرگوار را دوست دارند و وی محور امت اسلامی در طول تاریخ است. پس این ولادت برای ما حائز اهمیت است.

البته تاریخ اسلام نشان می دهد که تقریباً صد سال بعد از رحلت پیغمبر، فرزندش امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام به امامت رسیده است و این تجدید مطلعی در باب اهداف اسلامی و معارف اسلامی است. جمهوری اسلامی، بخصوص برای ولادت نبی اکرم و بعثت این بزرگوار و هر چه مربوط به ایشان است، اهتمام ویژه ای قائل است. چرا؟ چون امروز در سطح عالم و در زیر این آسمان، تنها نقطه جهان که در آن به طور رسمی احکام اسلامی، اجرا و قوانین و مقررات بر طبق قرآن و سنت پیغمبر تنظیم و عمل می شود و به عبارت دیگر، مهمترین نقطه دنیا که چنین حرکت عظیمی در آن انجام می گیرد، ایران اسلامی است. دولتی به نام اسلام حاکم است و این موضوع، در حقیقت تکلیفی را بر دوش همه مسلمانان عالم می گذارد. چون اگر حکومتی براساس اسلام بود، به این معناست که اسلام مورد عمل قرار گرفته است. اما اگر اسلام به معنای اعتقاد و عمل افراد در جامعه وجود داشته باشد و حاکمیت دین برقرار نباشد، در چنین جامعه ای قرآن و اسلام مهجور است. مصداق آن در قرآن کریم و در سوره فرقان چنین آمده است: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا». پیغمبر اکرم نزد پروردگار عالم عرض می کند: «یا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا». هجر قرآن به چه معناست؟ بی شک به این معنا نیست که قرآن و اسم قرآن و اسم مسلمانی را به طور کلی از خود دفع کردند. این اتخاذ نیست. «اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»؛ یعنی قرآن را دارند، اما همراه با هجر. قرآن هست، اما مهجور است. به این معنا که قرآن در یک جامعه تلاوت شده و احترام ظاهری می شود، اما به احکام آن عمل نمی کنند و به بهانه جدایی دین از سیاست، حکومت را از قرآن سلب می نمایند. اگر قرار بود که اسلام و قرآن حکومت نکنند، پس مبارزات پیغمبر برای چه بود؟ اگر پیغمبر اسلام بر این باور بود که نباید در حکومت و اداره زندگی مردم و قدرت سیاسی جامعه دخالت شود و همین قدر کافی است که مردم عقاید اسلامی داشته باشند و در خانه خودشان این اعمال دینی را انجام دهند، معلوم نیست که چنین مبارزاتی بر پیغمبر تحمیل می شد. دعوی پیغمبر بر سر قدرت سیاسی و قبضه کردن قدرت به وسیله قرآن است. هجر قرآن به این معناست که اسم قرآن وجود دارد و حاکمیت قرآن نیست. در عالم اسلام، هر جا که قرآن حاکم نیست، این خطاب نبی اکرم «یا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» صادق است.

در جمهوری اسلامی این هجران وجود ندارد. این جا قرآن برای اجرای احکام عمومی جامعه، محور قرار گرفته است. یعنی هر آنچه که از شؤون اداره یک جامعه است، رسماً از قرآن گرفته می شود، نه اسماً. قوانین از قرآن اتخاذ می شود. هر آن چه مخالف با قرآن باشد، طرد می شود. حکومت و قدرت سیاسی بر طبق معیارهای قرآنی تشکیل می شود. ارزشهای حاکم بر جامعه، ارزشهای قرآنی است. هر انسان متعهد و خدمتی در جامعه اسلامی مورد قبول و پذیرش است. امروز اگر ملت ایران، مسؤولین کشور را عاشقانه دوست دارند، به خاطر عمل آنها به قرآن و اعتقاد و تدبیر و پایبندی آنها به دین است. این جامعه، جامعه ای است که قرآن در آن زنده و برقرار است و مهجور نیست.



این، جمهوری اسلامی است. بنابراین هر مسلمانی در هر نقطه دنیا، به حکم این که به قرآن و به نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم عشق می ورزد، نسبت به جمهوری اسلامی که پرچم قرآن و اسلام را در دست دارد، احساس تعهد می کند. این همان چیزی است که دشمنان اسلام را با ایران اسلامی به برخورد خصمانه و حشیانه ای می کشاند و کشانده است. عامل دشمنیها همین است. هر کس در دنیا مخالف قرآن و اسلام است، مخالفت و خصومت و عناد وی با جمهوری اسلامی، خودش را به شکل بارزی نشان می دهد. در دنیا نگاه کنید! این مخالف و عناد، به صورت یک معیار کلی است. دشمنان اسلام، در هر جای دنیا با جمهوری اسلامی در حال معارضة و مخالفت و دشمنی اند. هر میزان که با اسلام و حاکمیت و پایبندی ملتها به آن مخالفند، دشمنی شان با ایران اسلامی هم به همان میزان است. شما این دشمنی ناکام و ناموفق را در سرتاسر دنیا مشاهده می کنید.

قدرتهای استکباری در اشتباهند اگر خیال می کنند که می توان جمهوری اسلامی را هم مثل هر دولتی با همین ابزارهای معمولی - محاصره تبلیغاتی، فشارهای سیاسی، محاصره اقتصادی و امثال اینها - به زانو درآورد. نه؛ این خطاست. این جا مسأله اعتقاد در میان است. مسأله پایبندی به دین، مسأله یک وظیفه الهی برای مردم و این که از این حکومت و دولتی که پرچم اسلام را در دست دارد دفاع کنند؛ همچنان که وظیفه مسلمانان دیگر دنیا نیز همین طور است. بنابراین، از اول انقلاب هر قدر که توانستند مخالفتها، خصومتها و درگیریهای گوناگون سیاسی، اقتصادی و نظامی را علیه جمهوری اسلامی سازماندهی کردند. همواره سخن امام بزرگوار ما رضوان الله تعالی علیه این بود که این دشمنیها نه با ما که در حقیقت با اسلام و قرآن است. این نکته ای است که باید همه مسلمانان عالم به آن توجه کنند. کسانی که امروز با جمهوری اسلامی در میدان تبلیغات، در برخورد سیاسی و با تلاشهای گوناگون اقتصادی درگیری دارند، کسانی هستند که دشمنی خود را با اسلام علنی کرده و نشان داده اند. تلاشهای این افراد، پوشیده نیست. البته در گذشته دشمنی خود را با اسلام چندان نشان نمی دادند؛ اما پیشرفت حرکت اسلامی آنها را وادار کرد تا باطن خود را نشان دهند. حادثه اخیری که به وسیله امریکا و اسرائیل - که در حکم سگ زنجیری دولت امریکا است - بر سر قضیه آرژانتین پیش آمد، نمونه ای از این دشمنیهاست. البته برای ما این گونه تبلیغات، تازگی و اهمیت ندارد.

جمهوری اسلامی در زمان حیات مبارک امام رضوان الله علیه، در طول ده سال بعد از انقلاب، به طور دائم با تبلیغات خصمانه دشمن درگیر بود. به یاد نمی آوریم زمانی را که چنین تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی، به بهانه های مختلف وجود نداشته باشد و همواره هم در نهایت کار، جمهوری اسلامی سربلند و غالب بیرون آمده است. این بار هم - در جنجال آفرینی بر سر قضیه آرژانتین - همین طور شد. جمهوری اسلامی از این گونه تبلیغات واهمه ای ندارد. دولت و کشور ما با جنجال تبلیغاتی روزنامه های مزدور عالم و رادیوهای صهیونیستی و دولتمردان هرزه گوی امریکایی و امثال آنها، دچار آسیب و ضرر نمی شود. آن قدر علیه ما تبلیغات کرده اند که نسبت به تبلیغات آنها ضربه شده ایم! مطلب از این ناحیه مهم نیست. مردم دنیا هم این تبلیغات را باور نمی کنند؛ مگر یک عده افراد ساده اندیش و ظاهربین. از این جهت هم، ما چندان ضرر نمی کنیم. شنیدم حتی در خود کشور آرژانتین، مردم از موضع همراه با ضعف دولت خود، ناراحتند. به اعتقاد آنها این قضیه از امریکا و اسرائیل ناشی می شود. در نهایت هم، برای همه دنیا این معنا ثابت شد. آن وقت تبلیغات مهمل و بی اصل و اساسی را به راه انداختند و جنجال درست کردند. حتی مردم آرژانتین هم این نکته را فهمیدند. اغلب مردم دنیا هم قاعدتاً می دانند. از این نظر، مسأله برای ما مهم نیست. اما از نظر دیگر حائز اهمیت است. از این نظر که دوستان اسلام و ایران اسلامی در همه جای دنیا، بر اصرار بی اندازه دستگاه حاکمه امریکا و دستگاههای استکباری برای مقابله با جمهوری اسلامی واقف شوند و بدانند به چنین بهانه های واهی، متمسک می شوند تا علیه جمهوری اسلامی تبلیغات به راه بیندازند. مسأله از این نظر مهم است که معلوم شود تا چه حد جمهوری اسلامی و حکومتی که با اتکاء به قرآن و اسلام، به فضل الهی در این نقطه عالم بر سر پاست، در مقابل اغراض استکباری امریکا، حضوری قوی و تعیین کننده دارد. این مسأله آشکار می کند که وجود جمهوری اسلامی در سطح جهان به حدی مانع از پیشرفت اهداف استکباری امریکا و اسرائیل است که آنها وقتی وسیله دیگری به دست نمی آورند، به هر وسیله ای، ولو سست و واهی متمسک می شوند و با جمهوری



اسلامی مقابله می کنند. این بسیار مهم است. اولاً از طرفی، ایادی تبلیغاتی آنها وانمود می کنند که جمهوری اسلامی در حال ضعف است. اگر در حال ضعف است، چرا این قدر قدرتهایی به اصطلاح مقتدر جهانی از آن واهمه و هراس دارند؟ چرا این قدر سعی می کنند در دنیا و در افکار عمومی، علیه جمهوری اسلامی تبلیغات کنند؟ حقیقت جز این نیست که جمهوری اسلامی، علی رغم این تبلیغات، جایگاه برجسته ای در افکار عمومی دنیای اسلام و خارج دنیای اسلام دارد. ثانیاً از این نظر حائز اهمیت است که نشان می دهد یک دولت مستقل؛ دولتی که تسلیم هدفهای استکباری نمی شود، تا چه حد برای نقشه های استکباری خطرناک است.

آنچه که مستکبران عالم و در رأس آنها آمریکا از کشورهای در حال توسعه و جهان سوم و غیره می خواهند، آن است که دستگاههای حاکم بر این کشورها، در بست تسلیم سیاستهای آمریکا باشند. اگر چنین حکومتی بر کشور حاکم بود، هر عیب و علتی در آن کشور باشد، برای آنها قابل قبول است و حرفی از عدم رعایت حقوق بشر در آن کشور نمی زنند. حتی اگر آن کشور یک مجلس صوری قانونگذاری هم نداشته باشد، نمی گویند این جا دموکراسی نیست؛ نمی گویند این جا حکومت خان خانی و فامیلی است؛ نمی گویند این جا حقوق بشر تضییع و پایمال می شود. معیار در نظر آنها تسلیم و سرسپردگی و دست بسته بودن حکومتها و دولتها در مقابل امریکا است. اگر این امر حاصل شود، آن کشور و دولت و مسؤولان، از نظر دولتمردان آمریکا مردمانی قابل قبول و بی اشکالند. دیگر نه لازم است فشاری بر آنها وارد آید و نه تبلیغاتی علیه شان انجام شود. اما اگر کشوری دارای دولت مستقل و حکومت متکی به مردم بود؛ عقاید و فرهنگ خودش برایش معتبر بود؛ مصالح ملتش برایش معیار و ملاک بود؛ مواضع خود را از روی اعتقاد و نه به خاطر فشار این و آن، خود اتخاذ می کرد، این کشور از نظر آنها مردود است. حتی اگر بهترین نوع دموکراسی، بهترین مجلس مقتنه و بهترین دولت مردمی را هم داشته باشد، آن را به داشتن اینها متهم می کنند. این موضع دستگاههایی مثل دولت امریکا است که امروز مدعی رهبری جهانند. آیا این دولتها با این بینش تنگ نظرانه و این برخورد عنادآمیز نسبت به کشورها و ملتها، لایق و شایسته رهبری جهانند؟!

جرم جمهوری اسلامی از نظر مستکبرین عالم این است که به اسلام، به استقلال و به مصالح ملت خود پایبند است. برادران و عزیزان من! رمز قدرت جمهوری اسلامی این است. رمز این که تا امروز نتوانسته اند ضربه قاطعی بر جمهوری اسلامی وارد کنند، همین است. فشار ایجاد کردند، خباث کردند، اذواء کردند، کارهای ناجوانمردانه انجام دادند، حتی فعالیتهای تروریستی در داخل کشور را سازماندهی کردند، از تروریستهایی که علیه جمهوری اسلامی فعالیت می کردند، با زبان، عمل و با سکوت رضایت آمیز حمایت کردند، آن واقعه ددمنشانه را در مشهد به وجود آوردند و دولتهای مدعی حقوق بشر و مخالف با تروریسم، کلمه ای در محکومیت آن سخن نگفتند. وضعیت این دولتها چنین است. با همه اینها، جمهوری اسلامی به فضل پروردگار با قدرت و سربلندی، در سطح عالم راه افتخارآمیز خود را ادامه می دهد. رمز قدرت ما تمسک به اسلام است.

در این روز ولادت و هفته وحدت و مانند این ایام، مردم معمولاً از خدمتگزاران خود - یعنی از دولت خدمتگزار جمهوری اسلامی - تجلیل می کنند. آنچه باید به طور کامل در این ایام در نظر بگیریم، این است که اسلام و عمل به قرآن و پایبندی به این دو، رمز بقای نظام اسلامی و اقتدار آن است. وحدت بایستی براساس اسلام و اعتصام به حبل الله باشد، نه بر اساس موهومات و قومیتهای پوچ و بی محتوا. قوام امت اسلامی به همین است. درس ملت از این روزها، پایبندی به اسلام در همه ابعاد آن است. باید همه تلاش نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی این باشد که قوانین را صدرصد منطبق با شرع مقدس اسلام تنظیم کنند؛ زیرا شرع مقدس اسلام تأمین کننده نیاز و سعادت مردم است؛ همچنان که تا به امروز بوده است. بحمدالله قوانین جمهوری اسلامی جزو مترقی ترین قوانین و منطبق ترین آنها با قوانین اسلامی است. قوانین اقتصادی و جزایی و قوانین گوناگون مربوط به مسائل حقوقی و ارتباطات و مناسبات گوناگون مردم با یکدیگر، براساس اسلام است.

همه سعی دولت محترم و خدمتگزار، این باشد که ارزشهای اسلامی را هر چه بیشتر در جامعه زنده کند. بالاترین ارزش هم، ارزش تقواست. تقوا عاملی است که ما را در راه اسلام حفظ می کند. تقوا یعنی این که مواظب خود باشیم. این امر به گروه خاصی اختصاص ندارد و هر فردی را در هر جا که هست و هر عضوی از اجزای دولت را - از اجزای عالی



رتبه تا کارمندان معمولی - در بر می گیرد. هر فردی از آحاد مردم، در هر جای کشور که زندگی می کند، مراقب باشد که از جاده اسلام تخطی نکند. اسلام وعده نصرت داده است. قرآن وعده پیشرفت و موفقیت در همه ابعاد زندگی \_\_\_ داده است و دنیا و آخرت ملت را آباد می کند. همچنان که به فضل پروردگار، در همین مدت کوتاه که اسلام در این کشور حاکم شده است، کارهایی برای زندگی مردم انجام شده که قابل مقایسه با دوران گذشته نیست. خدماتی که در این مدت به طبقات محروم شده است، با آنچه که قبل از پیروزی انقلاب انجام گرفته، قابل مقایسه نیست و این همه، با وجود همه مشکلاتی صورت گرفته است که علیه این کشور به وجود آورده اند. راه اسلام، راه سعادت است و ملاک پایبندی به اسلام، رعایت تقواست. این امر را هر کسی در عمل شخصی خود می تواند بفهمد و مواظب خود باشد. تقوا این است. برادران و خواهرانی که در گوشه و کنار این کشور هستید! مراقب باشید که از آنچه رضای خدا در آن است، تخطی نکنید. تابع شهوات نفس نشوید، تا راه خدا را گم نکنید. مسؤولین کشور هم این مسأله را رعایت کنند. قوای محترم مقتنه، قضائیه و مجریه که بحمدالله در این راه هستند، به رعایت تقوا بکوشند. شما در هیچ جای دنیا نمی توانید دولتمردان، رجال و مسؤولینی با این تقوا و طهارت و پاکیزگی که در جمهوری اسلامی هستند، پیدا کنید. همه همین راه را بایستی ادامه دهند. این راه، راه پیروزی است. دشمن در همه آزمایشهای خود علیه اسلام و مسلمین، ناکام شده است و باز هم ناکام خواهد شد.

امیدوارم خداوند متعال به همه ما توفیق دهد تا ان شاءالله راه نورانی اسلام و قرآن؛ راه وحدت دلها و عملها را با موفقیت پییماییم و ملت ما بتواند این بهترین راهها را که راه اسلام است و بحمدالله اتخاذ کرده است، تا آخر ادامه دهد و به کمک الهی، کید دشمنان را به خود آنها برگرداند.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته.